

## گنگ دژ یا گرینویچ؟!

کنون بشنو از گنگ دژ داستان      بدین داستان باش هم داستان

فردوسی توسی

عمو زاده های سلمی ما ، مدار صفر درجه را اکنون بر گرینویچ لندن نهاده اند . اما قبه الارض و مدار ۹۰ درجه تا چندین سال پیش همیشه در ایران بوده است و طول شهر ها را دانشمندان بر پایه آن پیدا می کرده اند و پیشینه آن به ایران می رسد و بس . این مدار و بخش بندی نیم کره شمالی به هفت اقلیم ، در نوشته های مسالک و ممالک ، نقشه های کهن ، صور اقالیم ، صورت الارض ، تحفه الافاق و درون اسطرلابهای کهن دانشمندان ما به خوبی به یادگار مانده است .

گنگ دژ کهن ، برابر طول ۹۰ درجه زمین یا قبه الارض یا اوزین ، مدار مقایسه طولهای زمین است .

این درجه تا چندین سال پیش در نزد دانشمندان در ایران بوده و باید به جایگاه خود برگردد . و ما هم با ید آنرا نگهبانی کنیم . اگر چه عمو زاده های سلمی ما ، آنرا بر نگزینند .

خواجه نصیر توسی در زبده الهیه فارسی آورده است

« وسط اقالیم وسط اقلیم چهارم باشد و آنجا که طول نود درجه باشد و درازای روز چهارده ساعت و نیم و عرض بقعه

سی و شش درجه و ثلثی بتغریب و آن میانه معظم عمارت عالم بود . »

بیرونی خوارزمی در التفهیم فارسی آورده است :

قبه الارض چیست :

معنی او میانگاه طول است میان مشرق و مغرب بر ربع مسکون اندر . و گاهگاه گویند که او را عرض نیست ، تا بر خط

استوا شود . و ندانم که این رای پارسیانست یا آن دیگران . که کتابهای یونانیان از یاد او خالی اند .

بیرونی خوارزمی آورده است

« نیمه آبادانی در طول ، بالای خط استوا نزد منجمین به قبه الارض معروف است و دایره بزرگی که از آن بر قطب میگذرد نصف النهار قبه نامیده می شود و هرگاه زمین بشکل طبیعی خود باشد هیچ جایی استحقاق چنین نامی را ندارد مگر آنکه آنجاگاه از شرق و غرب دارای دوری برابر باشد . »

بیرونی خوارزمی آورده است :

« برای دست یافتن به آنچه می خواستم از بخشیدن مال و جاه دریغ نورزیدم . نیمکره ای به قطر ده ذراع ( آرش ) ساختم تا بر روی آن طولها و عرضها را از روی مسافات بیرون آورم . »

بیرونی خوارزمی آورده است :

« و اکنون نخست می گویم : آبادانی زمین ، از جهت سیاست و گسترش فرمانروایی ، به هفت پاره گرد برابر تقسیم شده ،

بدان گونه که شش دایره برابر دایره هفتم برابر آنها را در میان میگیرد . و سبب این گونه بخش کردن آن است که

پادشاهان بزرگ در ایرانشهر جایگاه داشتند که عراق و فارس و جبال خراسان است . و از ایشان بعضی در آغاز روزگار و

پیش از آنکه مردمان در همه جا پراکنده شده باشند ، بر همه این کشور ها چیره شده بودند ، و ناگزیر بایستی در میانه جای

گیرند تا رسیدن به کامها برای ایشان هموار شود و آنچه که می خواستند به چنگ بیاورند آسان در دسترس داشته باشند :

... و هریک از این قسمتهای ( هفتگانه ) را کشور نامیدند ، و این کلمه از کلمه کش ( خط ) فارسی برآمده است ، و تو گویی

که این نامگذاری اشاره به آن است که این کشور ها چنان از یکدیگر جدا شده اند که نگاشته را خطهایی ( کشه هایی ) از

یکدیگر جدا میکند »

تهرانی در برگ ۱۸۰ آورده است :

« ابو مشعر از زیج شاه استفاده کرده است و خود در مولفاتهش اشاره بدان نموده است و ابو ریحان در تحقیق ماللهند مینویسد

که ابو مشعر اوساط را در زیج خود بر دایره نصف النهار قصر گنگدژ نهاده است . »

تهرانی در برگ ۱۸۰ آورده است : « « نمی دانم که لغت قبه که ما چیز کروی برجسته را عموماً میخوانیم مانند گنبد و

امثال آن با شباهت با کوپه یا کپه فارسی که در مقدار خاک یا امثال آن یکجا جمع شوند استعمال میکنیم و میگوییم یک

کوپه خاک چه ارتباطی دارد و نیز با لغت Coupole که عموماً در عمارت خاصه قبه رصد خانه ها استعمال میکنند چه

مناسبتی دارد؟»

ابو اسحق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری کرخی در نوشته فارسی کهن خود نقشه های بشمار را گرد آوری نموده است.

ذکر دریای پارس :

کنون یاد کنیم بعد از ذکر ولایات شرح دریای پارس ، به حکم آن کی این دریا بر دیار عرب میگردد و بیشتر ولایت اسلام

آنست کی این دریا بر حدود آن می گردد ، و شکل آنرا صورت کنیم ، و هر چه به آن پیوندد باز گوئیم ، و آغاز آن قلزم

گیریم و جانب شرقی یاد کنیم کی به حدود دیار عرب در می گردد ، چنان کی یاد کردیم تا عمان ...آنگاه به ساحل

هندوستان رسیم تا ساحل تبت . آنگاه به زمین چین رسیم.

نگاره - ۱ نقشه دریای پارس از مسالک و ممالک استخری برگ ۷۰ برای نمونه آورده شده است .

کنون در پی گنگ دژ پژوهشی کوتاه به نماییم .

ذبیح بهروز آورده است :

« دایره نیمروز یا نصف النهار رصدهای قدیم ایران از سیستان که آن را بهمین مناسبت نیمروز هم می گفتند میگذشته است.

نام خود رصد خانه را ( جاودان کث ) یا بهشت کنگ دژ یا قبه الارض نوشته اند . زاول به معنی ظهر و مزوله که ساعت

آفتابی باشد از کلمه زاول است . زاول و زابل یک کلمه است .

این رصد خانه در عرض ۳۳/۵ درجه در وسط دو ساحل شرقی و غربی خشکی جهان واقع است . سبب انتخاب این

نقطه برای رصد خانه اینست که هر وقت در نیمروز ظهر است همه جای دنیای قدیم روز است یا پیش از ظهر یا بعد

از ظهر . این که عرض رصد خانه را ۳۳/۵ درجه گرفته بودند برای این بود که تا عرض ۶۷ درجه شمالی روی کره

زمین قابل آبادانی است و برای این که رصد خانه درست در وسط آبادانی جهان قرار گیرد این عرض را برای رصدخانه

در نظر گرفته بودند .

این بود خلاصه آنچه در زیج ها و کتب تاریخ و لغت راجع به نیمروز و زاول یا زابل و کنگ دژ و بهشت کنگ و

جاودان کث نوشته اند «

این نوشته بر پایه نوشته های بیرونی خوارزمی و گذشتگان آمده است و ذبیح بهروز بر پایه آن پیشنهاد خود را داده

است .

درین پیشنهاد مدار ۹۰ درجه مبنای پیشنهادی ذبیح بهروز برای مقایسه طولهای کره های جغرافیایی پذیرفته شده است و تنها عرض گنگ دژ بر میان هفت اقلیم و بر همان مدار استوار گشته است .

در بُن دَهش به نوشته پهلوی آمده است که :

« کنگ دژبه ناحیت خراسان ، بر زیر دریای فراخکرد است . » برگ ۱۲۸

و در برگ ۷۳ در بُن دَهش در گزارش کوه ها آمده است :

« راوگ بشن به زراود است . این جای را باشد که زراود ، باشد که راوگ بشن و باشد که کَلاد خوانند . از دو سوی کوه ، و راه میان ( دره ) است . دژ فرود ( آنجا ) است . به سبب دژی که آنجا ساخته شده است ، این جای را کَلاد دژ خوانند ، در بوم سرخس . »

و در برگ ۱۳۸ در بُن دَهش آمده است که :

« کنگدژ را گوید که ... او راهفت دیوار است : زرین ، سیمین ، پولادین ، برنجین ، آهنین ، کاسگین . »

[ آبگین هم دارد و این گوهر ها به هفت اباختر ( ۷ سیاره ) وابسته است . و سخن نجومی است ] .

در دفتر آتشکده آذر آمده است

« توس از اقلیم چهارم است ... »

توس بن نوذر بعد از مراجعت از قلعه کلات و کشتن فرود و تشویش از کیخسرو آنجا را تجدید و بنام خودش موسوم

ساخت « [ فرود پسر سیاوش از دختر پیران ویسه است ] . »

مسعودی آورده است :

« سیاوش گنگ دژ را در شرق برکند ساخت که آتشکده ای داشت »

در بن دهش و دینکرد از بودن « خورشید چهار ( خورشید چهار ) » در کنگ دژ آمده است .

می بینیم که واژه « خورشید چهار ( خورشید چهار ) » با نام سازه ی کاخ خورشید هماهنگ است .

کنون بشنویم از زبان نگهبان دانسته های کهن مان ، فردوسی توسی :

کونون بشنو از گنگ دژ داستان	بدین داستان باش هم داستان
که چون گنگدژ در جهان جای نیست	بدان سان زمینی دلارای نیست
که آن را سیاوش بر آورده بود	بسی اندرو رنجها برده بود
بیک ماه زان روی دریای چین	کنان بام گشت آن زمان را زمین
بیابان بیاید چو دریا گذشت	بینی یکی پهن بی آب و دشت
کزین بگذری بینی آباد شهر	کزان شهر ها بر توان بر گذشت
از آن پس یکی کوه بینی بلند	که بالای او بر تر از چون و چند
مر این کوه را گنگ دژ در میان	بدان کت ز دانش نیابد زیان
چو فرسنگ صد کرده بود گرد کوه	ز بالای او چشم گردد ستوه
ز هر سو که پویی بدو راه نیست	همه گرد بر گرد او در یکیست
بدین کوه سی و دو فرسنگ تنگ	ازین روی و آن روی دیوار و سنگ
بدین چند فرسنگ اگر پنج مرد	بباشد به ره از پی کار کرد
نیابد بر ایشان گذر صد هزار	ز ره دار و برگستوان و سوار
کزین بگذری شهر بینی فراخ	همه گلشن و باغ و ایوان و کاخ...

#### فردوسی توسی

برای رسیدن به گنگ دژ بنا بر گفته پیر کهن فردوسی توسی بایسته است که :

پس از یک ماه زان روی دریای چین و گذر کردن از بیابانی و گذر از شهر هایی ، به رسیم به کوهی بلند که گنگ دژ در میان آن کوه است . سد فرسنگ هم گردی کوه می باشد . از دیدن بالا بلندی آن کوه ، چشم به ستوه می افتد . به هر سو که به خواهیم به درون کوه برویم به سبب بلندی دیواره های آن راه نیست . و همه ی دور آن تنها یک در و یک ورودی دارد . ازین روی و آنروی آن سی و دو فرسنگ سنگ دیده می شود و کوه . و اگر در تنها درب و ره این چند فرسنگ کوه ، پنج

مرد جنگجو ره و دربند را به بندند ، دیگر سد هزار سوار زره دار هم نمی توانند به درون گنگ دژ و کلاد بیایند . چو زین ها بگذریم و فرمان ورود بگیریم ، به گنگ دژ وارد می شویم شهری بینیم فراخ و همه گلشن و باغ و ایوان و کاخ . [ آن کاخ ، کاخ خورشید کلات است . که سینه به سینه برای ما ماندگار گشته است و سازه ی آن با همان باور ها ی کهن بر روی بناهای کهن زیر خود ساخته شده است و می تواند کار یک رصد خانه را به سامان رساند ] .

اگر به کلاد سیاوخش و گنگ دژ رفته باشیم . پیش از رسیدن و ورود به آن ، به کاسه کوهی ، بزرگ می رسیم . [ کلاد نام کلات به نوشته پهلوی می باشد ] .

در راه اسفالتنه به کلاد ، چشم کنج کاو بلندای کوه ها را از بیرون چنان می بیند که چشم را به سوی خود می کشاند . بزرگی ، بلندی و استواری کوه ، در چرخش و پیمایش راه بیرون آن ، زمان و روزهای بسیاری می خواهد . این کاسه کوه ، دور تا دور گنگ دژ را فرا گرفته است . و راه ورودی آنرا دربند می نامند . این دژ خدا دادی ، ماندگار کهن ما می باشد .

تیغه ای از این کاسه کوه تا بوم سرخس می رود و اکنون این تیغه مرز ایران و توران شده است . بالا رفتن از تیغه های بلند کاسه کوه کلاد ، از بیرون و درون بسیار دشوار است و تنها سنگ نوردانی با ابزار بسیار می توانند از آن به بالا بروند .

آبشاری بسیار زیبا در دل کوه به رود کلاد می رسد که از کوه های هزار مسجد سر چشمه می گیرد [ اکنون نام این آبشار

قره سو است ] . این رود تنها ورودی دژ کلاد گنگ دژ را ، باز نموده است و ازین سوی تنها ورودی کلاد می باشد . کاسه

کوه کلاد و بلندی کوه ها را هر بیننده ای می تواند از درون و بیرون گنگ دژ ببیند و قله زو هم با بلندی و سر فرازی خود

در میان کاسه کوه همه جا را می بیند . در میان کلاد و گنگ دژ هنوز کاخ خورشید یا کاخ خرشت چهر را ماند گار داریم .

در پی نوشته بالا ، فردوسی توسی درون گنگ دژ را چنین آورده است :

درازی و پهناش سی بار سیبود گر بپیمایدش پارسی

که از رفتنش مرد گردد ستوه

یک و نیم فرسنگ بالای کوه

کز آن خوبتر جایگاه کس ندید

وزان روی هامونی آید پدید

مر آن را ز ایران همی بر گزید

برفتش سیاوش و آن را بدید

بهر روز میان گاه گنگ دژ را میان آبادانی گفته شده پیشینیان گرفته است؟!

ابو نصر استاد بیرونی خوارزمی آورده است

« از آنجا [ یا از خط استوا ] چهار یکی افرازمین آبادانست و آنجا مسکن و بلدان است و اقلیم ها است . » [ درینجا نیمه بالای استوا گزارش شده است ] .

« و عرض عمران از میان ابتدا ( ی ) خط استوا تا بجهت شمال مقدار شصت و شش درجه است از فلک و خمس و سدس درجه که سه هزار و هفتصد و شصت میل ( بود ) ( و ) هر درجه ای از فلک پنجاه و شش میل بود و دو ثلث میل ...

از زمین آن جایگاه کی مسکون است از خط استوا اندر ناحیت شمال ، شصت و سه درجه ، کی مقسوم ور هفت . و هر قسمی از آنجا اقلیمی است . طول هر اقلیمی ابتدا از مشرق تا باقصی ناحیت مغرب بود و حد دریا ، و عرضش ور شمال همی روز بدرجات معلوم . »

ابو نصر قمی عرض عمران زمین را ۶۶:۲۲ دقیقه گرفته است . اما عرض مسکون هفت اقلیم را برابر ۶۳ درجه نوشته است .

بهر روز میان ۶۷ را ۳۳/۵ گرفته است و آنرا با زاول و زابل یک نموده است . اما می بایست عرض ۶۳ درجه را برای پایه کار می گرفت که بر پایان اقلیم چهارم استوار می گردد . و میان اقلیم چهارم قبه الارض است .

در عرض قبه الارض که میان هفت اقلیم و میان اقلیم چهارم می شود ، بلندی روز که یکی از پایه های کار بخشبندی اقلیم ها بوده ، بنا بر نوشته ابو نصر قمی در برگ ۲۷ برابر ۱۴:۳۰ و عرض آن را برابر ۳۶:۱۵ گرفته است . ( زمان ۱۴:۳۰ برای بلندترین روز بر عرض نزدیک ۳۷ درجه استوار می گردد).

در برگ ۲۷ و نوشته ابو نصر آمده است :

« و مطالع اندر وسط اقلیم الرابع آنجا کی عرض از خط استوا سی و شش درجه و پانزده دقیقه و درازی روز آنجا چهارده ساعت و نیم بود ، ... »

در برگ ۲۰ آمده :

« و دلیل این اقلیم (چهارم) ور مذهب پارسیان شمس است ... »

ابو نصر قمی در برگ ۹۴ دفتر آورده است :

« یاد کنم اینجا طالع شهرها و دلیل برجها بان ... آلسد : ویرا ترکستان تا نهایت عمران ( از ) ترک و سغد و نیشابور و ایران شهر و طوس و بارود .»

پس شیر و خورشید به ایرانشهر و اقلیم چهارم وابسته بوده و برگزیدن شیر و خورشید هم بر پرچم ایران بر همان پایه است. نوشته ابو نصر را پایه کار می گیریم . و میانگاه بخش بندی های گوی های جغرافیای را چنانچه بر گنگ دژ بگیریم همه چیز بر هم استوار می گردد.

۱. کشور چهارم ( اقلیم چهارم ) بر میان شماره هفت و هفت کشور است .

۲. بلندی روز میانگاه تابستان در آن جایگاه ۱۴:۳۰ می باشد .

۳. عرض آن میان هفت کشور ، برابر عرض جایگاهی است . که زمان بلند ترین روز تابستانی آن ۱۴:۳۰ می باشد . [ این عرض را ابو نصر ۳۶:۱۵ آورده است ] .

۴ . زایچه آن شیر است .

۵. خانه ی آن خورشید است .

۶. ایرانشهر و گنگ دژ کلاد در آنست .

۷. کاخ خورشید کلات نام دار واژه « خورشید چهر » است .

۸. گنگ دژ کلاد همان کبود گنبد و کلات نادری است .

کبود گنبد و کلات در نزدیکی بوم سرخس و توس است. کناره کاسه کوه مانند دیواری به سرخس پیوست است. گرو، چرم، دربند، قله زو، خشت، سیر زار، یکه توت، تپه نقاره خانه و نامهای ماندگار روستاهای دیگر در گنگ دژ کلاد مارا یار

میباشند پس میانگاه کاخ خورشید کلاد گنگ دژ را میانگاه و میخگاه گویهای جغرافیایی و طول و عرض جهانی خود میگیریم

۱. کاخ خورشید گنگ دژ کلاد ، بلند ترین روز تابستانی ، ۱۴:۳۰ است .

۲. عرضش اکنون ۳۶:۵۹ و نزدیک به عرض برج رادک، برج گنبد سرخ و بلندترین سازه خشتی جهان برج گنبد کاووس است.

۳. کاخ خورشید گنگ دژ کلاد ، میان کاسه کوه کلاد است .

۴. بر میان کشور چهارم از هفت کشور ، پایدار است .



۵. زایچه اش شیر و خورشید هم ، خانه اش می باشد .

۶. گنگ دژ کلاذ یک راه ورودی داشته است؟! [ در دشت و هامون زیبای کلاذ ، چنانچه به پایین دست رودخانه برویم به بندی بزرگ می رسیم؟! این بند با دیواره ی بلند خود ورودی دشمنان همیشگی را می بسته و در خود آب فراوانی را نگه می داشته است و دژ بند بوده است ] .

۷. پس گنگ دژ ، جاودان کث و گنگ دژ کلاذ همگی یک در دارند !

۸. دژ باستانی فرود در نزدیک ده گرو و در کاسه کوه کلاذ ماندگار کهنن و استواری پیشینه ما می باشد .

۹. گنگ دژ کلاذ کبود گنبد ، هنوز راز های بسیار دیگری را در خود دارد...

زورمندی عمو زاده های سلمی ما نباید درین زمان گرینویچ را برای ما پایدار کند! اگر آنها نوشته های کهن تری و سندی برای گرینویچ دارند بیاورند ! و اگر ندارند زور نگویند و شمشیر نکشند !

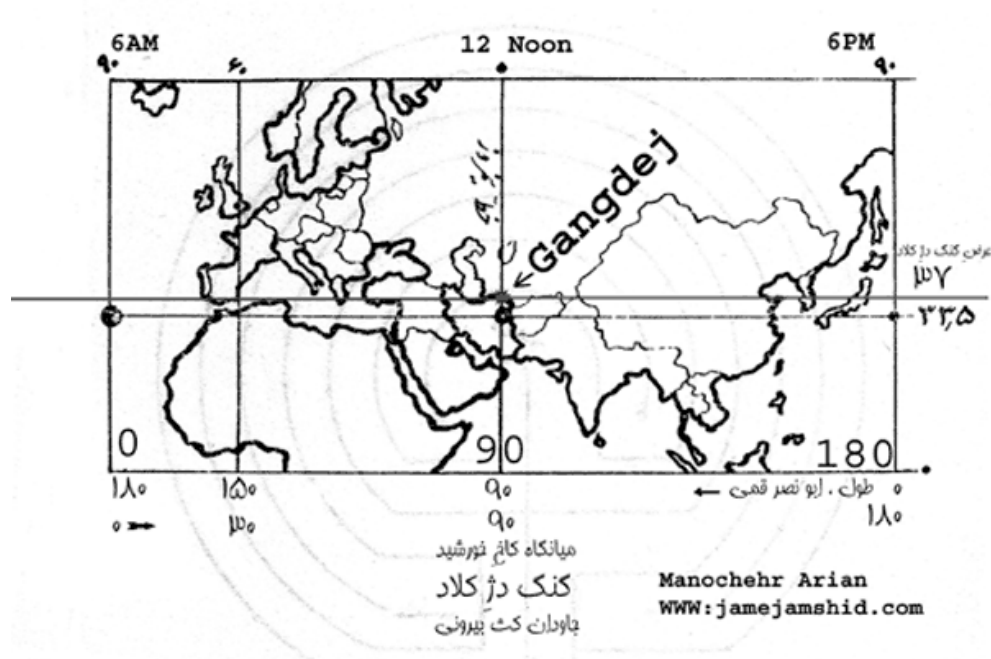
شریف جان تو زین قبه کبود ، بود برون چنانکه گفت حکیمی ، یکی پدر دارد

ناصر خسرو

بهروز نگاره ای را در دفترش آورده است . نگاره شماره ۲ -

۱. پیشنهاد بهروز برای میانگاہ گوی زمین ، گنگ دژ ، ( قبه الارض ) و نیمروز به عرض  $5/33$  درجه .

۲. پیشنهاد نو تر بر پایه نوشته ها و برابری میان گاه کاخ خورشید کلاذ گنگ دژ به عرض  $37$  درجه .



بهر روز میانگاه و میخ گاه هفت اقلیم را بر زاول و زابل نهاده است .

در نگاره ۲ و پایین تر از نگاره نخست ، با کمی ویرایش نگارنده ، پیشنهاد میخ گاه کاخ خورشید گنگ دژ کلاد را برای قبه زمین و میخگاه آن آورده است .

طول میخ گاه گنگ دژ بنا بر نوشته ابو نصر از شرق ( خور اید ) به غرب ( خور بران ) گرفته شده است . از ۰ تا ۹۰ تا ۱۸۰ درجه .

پیشنهاد دوم هم طول از غرب آغاز شده و به شرق ۱۸۰ درجه پایان می پذیرد . از ۱۸۰ تا ۹۰ تا ۰ درجه .

در روش نخست ابو نصر که طولها از خور آید ( طلوع ) یا شرق آغاز می گردد ، به دانش هندسی و زمان بهتری آراسته می گردد و خورشید زمانی که در گنگدژ کلاد به نیمروز می رسد در مدار صفر درجه در نزدیک سیدنی خورشید طلوع می کند و در آن سوی دیگر زمین و مدار ۱۸۰ درجه خورشید غروب می کند .

نگاره شماره ۳ - گوی جغرافیایی ابو نصر با خط های هفت کشور ، از برگ ۲۲ دفترش با کمی ویرایش آمده است .



اما ، اگر به طول گرینویچ ۳۰:۱۴ درجه ( سی درجه و چهارده دقیقه ) بیافزایم طول همه ی شهر ها برابر با میانگاه کاخ

خورشید گنگ دژ کلاد شده و قبه زمین به جای کهن خود و بر روش دوم ابو نصر استوار میشود. در زیگ زیر طولها به

روش نخست هم نوشته شده است .

بنا براین :

جایگاه	جایگاه با طول گرینویچ	طول به کاخ	طول به کاخ	زمان ساعتی متوسط به گنگدژ	طول به گرینویچ	عرض	بلندی از دریا به متر	بلندی از دریا به آرّش	جایگاه
کاخ خورشید	۳۰:۱۴	۹۰	۹۰	۱۲ نیمروز	۵۹:۴۶	۳۶:۵۹	۱۳۰۰	۲۷۰۸	چهارم
گرین ویچ	۳۰:۱۴	۳۰:۱۴	۱۴۹:۴۶	۷:۵۹,۰۶۶	۰	۵۱:۳۰			هفتم
رادکان	۳۰:۱۴	۱۹:۱۵	۹۰:۴۵	۱۱:۵۷	۵۹:۰۱	۳۶:۴۸	۱۲۱۰	۲۵۲۱	چهارم
اخنگان	۳۰:۱۴	۱۹:۵۱	۹۰:۰۹	۱۱:۵۹,۴	۵۹:۳۷	۳۶:۳۲	۱۰۳۰	۲۱۴۶	چهارم
رادکان گران	۳۰:۱۴	۱۴:۱۷	۹۵:۴۳	۱۱:۳۷,۱۳	۵۴:۰۳	۳۶:۳۶			چهارم
مراغه	۳۰:۱۴	۱۶:۳۰	۱۰۳:۳۰	۱۱:۰۶	۴۶:۱۶	۳۷:۲۴	۱۴۵۰	۳۰۲۰	چهارم
گنبد کاووس	۳۰:۱۴	۱۵:۲۴	۹۴:۳۶	۱۱:۴۱,۶	۵۵:۱۰	۳۷:۱۵	۴۵	۹۴	چهارم
کشمار	۳۰:۱۴	۱۱:۲۰	۹۱:۴۰	۱۱:۵۳,۳۳	۵۸:۰۶	۳۵:۱۸	۱۰۱۸	۲۱۲۱	چهارم
بیرجند	۳۰:۱۴	۱۹:۲۷	۹۰:۳۳	۱۱:۵۷,۸	۵۹:۱۳	۳۲:۵۳	۱۴۸۰	۳۰۸۳	سوم
مشهد	۳۰:۱۴	۱۹:۵۱	۹۰:۰۹	۱۱:۵۹,۴	۵۹:۳۷	۳۶:۱۶	۹۸۵	۲۰۵۲	چهارم
تهران	۳۰:۱۴	۱۱:۳۸	۹۸:۲۲	۱۱:۲۶,۵۳	۵۱:۲۴	۳۵:۴۱	۱۱۱۰	۲۳۱۲	چهارم
مکه	۳۰:۱۴	۱۰:۰۲	۱۰۸:۵۷	۱۰:۴۰,۲	۳۹:۴۹	۲۱:۲۶			دوم
قاهره	۳۰:۱۴	۶۱:۲۹	۱۱۸:۳۱	۱۰:۰۵,۹	۳۱:۱۵	۳۰:۰۳			سوم
نیویورک	۳۰:۱۴	۳۱۶:۱۴	۲۲۳:۴۶	۲:۵۵ شب	-۷۴	۴۰:۴۵			پنجم

توکيو	۳۰:۱۴	۱۶۹:۵۹	۱۰:۰۱	۶:۴۳,۰۶	۱۳۹:۴۵	۳۵:۰۴	چهارم
سیدنی	۳۰:۱۴	۱۸۱:۲۴	۳۵۸:۳۶	۵:۵۴,۰۴	۱۵۱:۱۰	-۳۳:۵۵	-

برگزیدن زمان کنونی برای تهران با زمان جهانی گرینویچ ۳:۳۰ (سه ساعت و سی دقیقه) جابجایی دارد! زمان ساعت

پشت دست ما یک زمان متوسط مجازی می باشد که از چرخش خورشید مجازی بر خط استوا محاسبه شده است .

این زمان با زمان آفتابی و حقیقی بین ۱۶ - تا ۱۴+ دقیقه به تقریب در روزهای سال جابجا می گردد .

چنانچه طول تهران را از طول گرینویچ کم کنیم  $۵۱/۴ = ۵۱:۲۴ = ۳۰:۱۴ - ۸۱:۳۸$  که می شود  $۵۱/۴$  درجه

طول جابجایی . زمان برای هر درجه جابجایی طول ، چهار دقیقه در خط استوا جابجا می گردد . بنابراین

$۲۰۵/۶ = ۴ * ۵۱/۴$  که میشود  $۲۵/۶ : ۳$  ساعت ، پس زمان برگزیده شده برای ایران با زمان جهانی جابجایی برابر

$۴/۴ = ۲۵/۶ : ۳ - ۳:۳۰$  دارد ، که چهار دقیقه و بیست و چهار ثانیه جابجایی جهانی میگردد . و زمان برگزیده شده

ایران از شهر آباده میگذرد نه شهر تهران !

جابجایی زمان گرینویچ با زمان گنگدژ کلاد برابر  $۲۳۹/۰۶۶۸ = ۴ * ( ۳۰/۲۳۳۳ - ۹۰ )$  دقیقه میگردد ، که

$۰۸/۳:۵۹:۴$  (سه ساعت و پنجاه و نه دقیقه و چهار و هشت هزارم ثانیه جابجایی دارد) .

اگر از کسر ثانیه آن چشم پوشی کنیم می شود چهار ساعت جابجایی ، زمانی که در گنگدژ کلاد نیمروز و ساعت

دوازده است در گرینویچ زمان متوسط ساعت هشت روز است . پس اگر خط های جهانی ساعت را در اقیانوس آرام

جابجا کنیم و بر پایه گنگ دژ بگیریم ، روز جهانی ، چهار ساعت زود تر در تقویمها آغاز می گردد و آغاز محور طول

آن از نزدیک سیدنی میگذرد. اکنون در کره های جغرافیای عرض ها را ۱۰ درجه ای بخش کرده اند. اما دانشمندان

کهن و اختر شناسان ما همیشه از عرضهای هفت اقلیم نام برده اند. که بر پایه بیشترین ساعت روشنایی آفتاب روزانه

در آغاز تابستان پایه ریزی شده است. ابو نصر قمی و بیرونی خوارزمی و دیگر اختر شناسان زیگ نویس، درجه بندی

آنها در زیگ های خود نوشته اند. یگمان این بخش بندی به پیش از ۱۴۰۰ سال می پیوندد. پیشنهاد می گردد که کره

های جغرافیایی بر آن پایه ساخته شود که کار های نیاکان و دانشمندان خود را نگرهبانی کرده باشیم برای پژوهشگران

،گوی جغرافیایی هم با خط های هفت کشور و طول گنگ دژ کلاد آماده نمایش است که نگاره آن پیوست است .

## کاخ خورشید :

کاخ خورشید برابر باور ها گذشته ، بر سازه های کهن تر زیر خود ساخته شده است . این سازه ی ترک دار ، دارای ۶۴ ترک نیم ستونی میباشد که دو ترک آن همیشه نیمروز را پیدا می کند . نیمروز زمانی است که اختر شناسان دانشمند گذشته ما برای مبنای اندازه گیری زمان بکار میبرده اند ، که بسادگی از روی آفتاب روزانه پیدا میگردد . این کار به اندیشمندی در کاخ خورشید به سامان رسیده است و تصادفی نیست . اذان ظهر هم بر نیمروز هر جایگاه استوار است . در راهرو های زیر زمین و سردابه های کاخ خورشید میتوان آفتاب را به رسد کشید و از روی آن آغاز موسم های بهار ، تابستان ، پاییز و زمستان را بدست آورد. رسد نور آمده از سه دریچه میان ترکها هم میتواند به رسد سالانه کشیده گردد . چنانچه در پوشش آسمانه کاخ خورشید چند روزنه در جایهای بایسته در آوریم میتوانیم نور نوروزگاه را بر میان کاخ خورشید به بند بکشیم که با محاسبات از روی اسطرلاب (ستاره یاب) به سادگی به سامان میرسد. برای نو آوری ، میتوانیم برابر رسد خانه های کهن خود مانند برج رادکان ، برج کشمار ، گنبد سرخ مراغه ... در قله زو رسد خانه ای نوتر ساخته که تجربه دانشمندان مان را پیگر شده و به نوشتن زیگی همیشگی دست بزیم چون در گذشته زیگ ها را ایرانیان نوشته اند و پاسداری از آن به عهده ما فرزندان آنها می باشد و خود را باید از آلماناک (زیگ) عمو زاده های سلمی خود بی نیاز نماییم . رسد خانه های کهن ما هم میتواند یار ما برای زیگ نویسی در جایها گوناگون این سرزمین پر گهر باشد .

نگاره - ۴ آغاز آفتاب نیمروزی و اذان ظهر بر ترک ۱۶ کاخ خورشید گنگ دژ کلاد (۱۳۸۱/۸/۲۹)



## ( آینده از آن ملتی است که گذشته خود را می شناسد )

فردوسی توسی ،

۱ - شاهنامه به کوشش سعید حمیدیان چاپ قطره ۱۳۷۶ ، پاره نخست ، برگ ۱۰۷-۱۰۵ .

۲ - شاهنامه به کوشش محمد رضانی ، چاپ کلاله خاور ، ۱۳۵۴ ، پاره نخست ، برگ ۴۸۳-۴۸۲ .

عمو زاده های سلمی :

بسه بخش کرد آفریدون جهان

به هفته چو بیرون کشید از نهان

سوم دشت گردان ایران زمین

یکی روم و خاور یکی ترک و چین

همه روم و خاور مر او را گزید

نخستین بسلم اندرون بنگرید

ورا کرد سالار ترکان و چین

دگر تور را داد توران زمین

مر او را پدر شهر ایران گزید

پس آنکه نیابت به ایرج رسید

فردوسی توسی .

« ماه فروردین روز خورداد ، فریدون بخشش گیهان کرد ، اروم بر سلم داد و تورکستان بر توژ داد . ایران شهر بر ایرج داد »

ملک الشعرا بهار ترجمه چند متن پهلوی چاپ سپهر ۱۳۴۷ برگ ۹۱

مسعودی گوید :

بابل:

ایرانیان این ناحیه را بانتساب ایرج پسر فریدون ایرانشهر مینامند که وقتی فریدون زمین را میان سه پسر خود تقسیم کرد

روم و اقوام مجاور آن بسلم داد و ترک و اقوام مجاور آن را به طوج [ توژ یا تور ] داد و عراق و بابل و اقوام مجاور آنرا بایرج

داد و این ناحیه بنام وی منسوب شد. وشاعر ایرانی بدوران اسلامی گوید: ... شام و روم را تا غروبگاه خورشید بسلم دلاور دادیم و ترک مال طوج شد، دیار ترک متعلق به عمو زاده ما است ...

مسعودی بغ دادی، التنبيه و الاشراف، ( برگردان ابوقاسم پاینده )، چاپ زیبا، ۱۳۴۹، برگ ۳۸

برگزیدن گرینویچ از سال ۱۹۲۵ است که می شود سال ۱۳۰۴ خورشیدی یا ۷۸ سال پیش.

ذبیح بهروز در برگ ۷۴ تقویم وتاریخ در ایران آورده است:

« تاریخ میلادی از قرن دهم میلادی به بعد معمول گردیده است و برای اهمیت موضوع باید تحقیق شود که چه حادثه ای روی داده که پس از گذشتن چنین مدت طولانی کلیسا بفکر وضع یا استعمال تاریخ میلادی افتاده است.» و آورده است که

: « در کتب نجوم قرن پنجم و ششم هجری ذکری از تاریخ میلادی مشهور که امسال ۱۹۲۵ آنست، نیست » ( ۱۹۲۵

سال نوشتن کتاب بهروز ).

خواجه نصیر توسی، زبده الهیه، فارسی، شماره عمومی ۵۷۵۱ کتابخانه خطی آستانه واقف حاج عماد باب هیجدهم در

هیات اقلیم زمین برگ ۵۷

بیرونی خوارزمی، التفهیم، فارسی، گرد آورنده جلال الدین همایی، چاپ نشر هما، ۱۳۶۷، برگ ۱۹۳.

بیرونی خوارزمی، ماللهند، برگ ۲۶۰ ( در برگ شصت و شش المدخل الی علم احکام النجوم ابونصر به کوشش اخوان

زنجانی آمده)

بیرونی خوارزمی، تحدید نهایات الاماکن، برگردان احمد آرام، چاپ دانشگاه، ۱۳۵۲، برگ ۱۶. [ این نیمکره را بر یکی از

گنبد های دو پوشش برجها و گنبد ها میتوان پیدا کرد که راهرویی هم در دور خود دارد].

بیرونی خوارزمی، تحدید نهایات الاماکن، برگردان احمد آرام، چاپ دانشگاه، ۱۳۵۲، برگ ۱۰۹-۱۱۰

سید جلال الدین تهرانی، گاهنامه ۱۳۱۱، چاپ مجلس، ۱۳۱۱، برگ ۱۷۷

ابو اسحق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری (کرخی)، ( مرگ ۳۴۶ ه- ق، ۳۳۶ خورشیدی، ۹۵۷ مسیحی)، مسالک و

ممالک، گرد آورنده ایرج افشار، چاپ انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۶۸، برگ ۳۱. برای دیگر نقشه ها و گزارش شهرها آنرا

ببینید.

ذ- بهروز، ایران کوده شماره ۱ تقویم و تاریخ در ایران، چاپ بانک ملی ۱۳۳۱، برگ ۴۱

بُندهُش پهلوی، فرنیخ دادگی، گزارنده مهرداد بهار، چاپ توس، ۱۳۶۹ برگ ۱۲۸

آذر ( بیگدلی )، آتشکده آذر، جلد دو، چاپ ۱۳۳۷ برگ ۴۴۳

مسعودی، مروج الذهب، برگ ۶۰۴ جلد ۱ چاپ ۱۳۴۴ نشر کتاب گرد آورنده ابوالقاسم پاینده.

ذبیح الله صفا، حماسه سرایی در ایران، چاپ دیبا، ۱۳۷۴ برگ ۴۹۶

ابو نصر قمی، المدخل الی علم احکام النجوم، فارسی، نوشته سال ۳۶۵ هـ - ق ( ۳۵۴ خورشیدی )، ( گرد آورنده جلیل اخوان

زنجان ) چاپ انشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۵، برگ ۱۶-۱۵.

هر میل برابر ۴۰۰۰ آرَش است ( برگ ۱۵ ابو نصر) و هر آرَش برابر نک انگشت تا آرنج است و از زمان هخامنشی ها و

پیش از آن و تا هفتاد سال پیش اندازه رسمی شهر های ما بوده است. ما اینچ را می شناسیم اما خورده اندازه های آرَش را

نمی دانیم چرا؟ آیا بنا های کهن ما بر پایه اینچ و سانتیمتر ساخته شده است؟! بهتر است یک آرَش استاندارد برگزیده و آنرا

بجای اینچ بر سوی دیگر خط کشهای سانتیمتری خود بکشیم. یک آرَش (گز) استاندارد بر پایه آجر های برج رادکان به

میراث فرهنگی تهران پیشنهاد شده است. هر آرَش استاندارد ۴۸ سانتیمتر پیشنهاد گردیده است. و آرَش رادکان که برابر

هشت رگ با هشت بند رویهم است برابر ۴۸/۶۶ سانتیمتر است. این اندازه برابر دو خشت کنار هم با دو بندش می باشد که

اندازه خشت سازی برج هم بوده است

ذ- بهروز، ایران کوده شماره ۱ تقویم و تاریخ در ایران، چاپ بانک ملی، ۱۳۳۱ برگ ۴۱.

[ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح جلد ۳۲ سال ۱۳۶۸ ] ازین دفتر برای رادکان، اخنگان و کلات بهره برده شده است [

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ آبادی های ایران ۱۳۳۹ ] رادکان گرگان و مراغه و گنبد کاووس از این دفتر

بهره برده شده است [ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح جلد ۴۲ سال ۱۳۶۳ ] ازین دفتر برای کشار بهره برده شده است [

سنگ پله ها در روی دریچه های نور گیر زیر زمین درست باز سازی نشده است و باید یک پله از روی آنها برداشته شود.